



آیت الله محمد حسن قدیری *

صاحب حیات قدوسی

بسم الله الرحمن الرحيم

«ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التي كنتم توعدون [سوره فصلت آیه ۳۰]

مرحوم آیت الله آقای حاج آقا مصطفی خمینی قدس سره الشریف از جمله رهروان پیشتاز، بلکه از رهبران امت اسلام و مصداق این آیه مبارکه است. او ربنا الله را با آغوش باز پذیرفت و تا آخر عمر شریفش از آن دفاع کرد و در راه آن استقامت ورزید. او خوف از طاغوت نداشت و با ایمان به خدا با تمام ناملاهیات زندگی ساخت. به حق عائش سعیداً مات سعیداً بود. خداوند او را با اجداد طاهرینش محشور فرماید. اینجانب با اینکه خودم را آشنای به همه ابعاد زندگی و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و علمی و اخلاقی و عملی و عرفانی آن بزرگوار نمی دانم، لکن به ملاحظه اینکه مدتی با این بزرگوار در نجف اشرف بودم و ارادت به ایشان داشتم، حق او می دانم که فی الجمله مطالبی را که در نظر دارم یادآور شوم. اینجانب اعتقاد دارم که حاج آقا مصطفی (ره) از ارکان مهم نهضت اسلامی هستند و نقش ایشان در اصل نهضت و ادامه آن بسیار مؤثر است و علت پنهان بودن شخصیت ایشان امری طبیعی است. اولاً دوران نقش مؤثر ایشان دوران اختناق بود و ثانیاً نور خورشید در خشان پدر بزرگوارش در آن وقت، کافی از درخشندگیهای دیگر بود، و الا خدمتی که مرحوم حاج آقا مصطفی (ره) به نهضت کرد بعد از امام در زمان خودش از دیگران کمتر نیست. او یار و یاور امام بود. او کمک امام در زمان غربت و تنهایی ایشان بود.

خوب به خاطر دارم بعد از ظهری در مدرسه مرحوم آیت الله بروجرودی در نجف اشرف بودم. خبر رسید که حضرت امام (ره) از ترکیه به عراق آمده اند و در کاظمین هستند. مرحوم حاج آقا مصطفی (ره) به منزل مرحوم آیت الله العظمی خوئی رحمه الله علیه تلفن کردند که منزلی برای

حضرت امام تهیه کنند. همان روز به سمت بغداد و کاظمین حرکت کردیم. شب رسیدیم به مسافر خانه ای که حضرت امام (ره) آنجا بودند. امام در اتاق دیگری مشغول استراحت بودند و اتاق دیگری بود که مرحوم حاج آقا مصطفی (ره) تنها در آن بیدار بودند و عمامه حضرت امام (ره) هم در آن اتاق بود و ما آن شب موفق نشدیم حضرت امام (ره) را ببینیم. صبح فردا هم حضرت امام (ره) تنها با مرحوم حاج آقا مصطفی (ره) به حرم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مشرف شدند و آنجا عده ای از روحانیین خدمت حضرت امام (ره) رسیدند و همراه ایشان شدند. در مدتی که حضرت امام (ره) در ترکیه بودند، نقش مرحوم حاج آقا مصطفی (ره) آن بود که خود حضرت امام (ره) می فرمودند: (من از ایشان شنیدم) «بودن مصطفی در ترکیه برای من خوب بود.» در مدتی هم که در نجف اشرف آن تنهایی رفع شد، ولی محرم اسرار امام در مسائل نهضت و مورد اعتماد و مطمئن نزد حضرت امام (ره) مرحوم حاج آقا مصطفی (ره) بود. گرچه به ظاهر در امور، دخالت و مباشرت مستقیم نمی کرد،

محرم اسرار امام در مسائل نهضت و مورد اعتماد و مطمئن نزد حضرت امام (ره) مرحوم حاج آقا مصطفی (ره) بود. گرچه به ظاهر در امور، دخالت و مباشرت مستقیم نمی کرد، ولی در باطن، امور اجتماعی و سیاسی حضرت امام (ره) را مدیریت می نمود و خلاصه اگر در آن وقت مرحوم حاج آقا مصطفی (ره) در خدمت حضرت امام (ره) نبود مشکلات زیادی برای آن حضرت پیش می آمد.

ولی در باطن، امور اجتماعی و سیاسی حضرت امام (ره) را مدیریت می نمود و خلاصه اگر در آن وقت مرحوم حاج آقا مصطفی (ره) در خدمت حضرت امام (ره) نبود، مشکلات زیادی برای آن حضرت پیش می آمد.

مرحوم حاج آقا مصطفی (ره) در این مسائل حق بسیاری بر نهضت و انقلاب دارد و اگر امام می فرماید مصطفی امید آینده اسلام بود، تنها یک عالم یا عابد یا عارف را تعریف نمی کند، بلکه با در نظر گرفتن نقش مؤثر حاج آقا مصطفی در نهضت اسلامی و پیشرفت انقلاب بوده است. البته او مردی عالم و مجتهد و در عبادات و زیارات جدی بود. در حمایت از افراد ضعیف و بی بضاعت کوشش داشت و مأمونی بود برای رفقای حضرت امام (ره) که در آن روز پناهمان حضرت امیر علیه السلام و خانه امام بود. در بحث، فرزند پدری بود که چون شیر غرض می کرد و در عین اینکه بحث بود، ولی انصاف می داد و اگر از طرف، صحبت صحیحی می دید قبول می کرد. در علوم مختلف وارد و استاد بود. خاطره ای از ایشان در سفری که در خدمت ایشان در پیاده روی کربلا بودم دارم و آن این بود که در باغهای کربلا رسیدیم و شب را آنجا ماندیم. رفقا دور ایشان جمع شدند و ایشان مشغول صحبت بود. بنا شد هر کدام از رفقا در یکی از علوم سوالی از ایشان بکنند. یادم نمی رود که سوالات زیاد از علوم مختلف از ایشان شد و حدود چهار ساعت طول کشید و ایشان در این مدت مشغول جواب این سوالات بود که واقعاً من هنوز از تصور آن جلسه تعجب می کنم که شخص این قدر با استعداد می شود که بدون مطالعه در این مدت این همه سوال مختلف را جواب بدهد. در هر حال از خداوند متعال علو درجات آن فقیه سعید را مسئلت دارم. من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نجه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً.

والسلام علیکم ورحمة الله

* عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم